راست گويى و دروغ گويى

حسين جعفرى, شماره اشتراك 2532, از سيريز

تعريف راست گويى

راست گويى يعنى واقعيت را همان طور كه هست جلوه دادن و ظاهر و باطن را يكى كردن; به عبارت ديگر راست گويى يعنى بيان حقايق و مسائل بدون كم و كاست و اين يكى از اصول ارزشى است كه هر دين و آيين الهى بر آن تأكيد مى ورزد و عقل و خرد بشر نيز آن را مورد توجه قرار مى دهد, چرا كه سلامت و تعادل دل و زبان, يك سويى و هماهنگى ظاهر و باطن در رفتار, گفتار و فكر و انديشه را ايجاب مى كند.

راستى از ديدگاه قرآن و روايات

اسلام دينى است كه براساس سرشت انسان ها طراحى و برنامه ريزى شده است. راستى و صداقت نيز خواست فطرت انسان است و اين دو با يكديگر پيوندى عميق و ناگسستنى دارند. از اين رو در قرآن و سخنان پيشوايان دين, بر صداقت و راستى حتى در سخت ترين شرايط تأكيد شده است.

در نگاه قرآن كريم راست گويان, دوستان خدا, و دروغ گويان, دشمنان خدا شناخته مى شوند. رسول گرامى اسلام(ص) مى فرمايد: (راستى, مبارك, و دروغ, ناميمون است.)1

امير مؤمنان على(عليه السلام) مى فرمايد:

ـ (راستى, قوى ترين ركن ايمان است.)2

ـ (دو چيز ملاك دين است, راستى و يقين.)3

ـ (وقتى خداوند بنده خود را دوست بدارد به او راستى الهام مى كند.)4

امام صادق(عليه السلام) نيز يكى از علل برانگيخته شدن پيامبران را توجه به راستى و دورى از دروغ مى داند.

آن حضرت مى فرمايد: (خداوند هيچ پيامبرى را برنينگيخت جز با راستى و امانت دارى نسبت به نيكوكار و بدكار.)5

اگر بگوييم راستى و درستى, شالوده دين و ايمان را تشكيل مى دهد و آن كس كه از اين خصلت زيبا به دور باشد دينى بى ريشه دارد, سخنى به گزاف نگفته ايم.

آثار راست گويى

آثار ارزنده هر چيزى بستگى به ارزش و اهميت آن دارد و چون راستى اهميت بالايى دارد, پيامدهاى ارزش مند و نيكويى را نيز دربر دارد كه چند مورد از آنها را مرور مى كنيم:

1. همراهى خدا: فردى كه راستى را بر دروغ ترجيح مى دهد و فرمان الهى را اجرا مى كند, خداوند متعال از او راضى مى شود و در همه امور پشتيبانى وى را با خود به همراه دارد, زيرا خدا در قرآن تأكيد كرده است: دوستدار راست گويان است. حضرت امام محمدباقر(عليه السلام) مى فرمايد: (الا فاصدقوا فان الله مع الصدق…6 هان! راست بگوييد كه خدا با راستى است.)

2. پاكى كردار: وقتى زبان كسى راست گو شد, تمامى اعمالش به پيروى از آن از انحراف و اشتباه مصون مى ماند و نمى تواند در زندگى غل و ريا را جايگزين صداقت كند. امام موسى كاظم(عليه السلام) مى فرمايد: (من صدق لسانه زكى عمله;7 كسى كه زبانش راست بگويد, كردارش پاك مى شود.)

3. نجات و سلامتى: بدون شك يكى از رهاوردهاى مهم صداقت, نجات و سلامتى است. اگر انسان راست گو باشد و به اين وصف شناخته شود, مورد اعتماد مردم قرار مى گيرد و سخن او را درست مى شمرند و مى پذيرند. در اين صورت اگر براى شخص صادق گرفتارى و مشكلى پيش آيد, امتياز راست گويى سبب نجات او مى شود و از گرفتارى و خطر به سلامت مى گذرد. امام على(عليه السلام) مى فرمايد: (عاقبة الصدق نجاة وسلامة;8 فرجام راست گويى, نجات و سلامتى است.)

4. بزرگى مقام: فرد راست گو هميشه مورد احترام و تكريم ديگران است. يكى از دلايل اصلى احترام اعراب به پيامبر(ص), راست گويى و صداقت او بود, زيرا هرگز از او دروغ نشنيده بودند. حضرت على(عليه السلام) مى فرمايد: (بر تو باد به راست گويى, زيرا كسى كه در گفتارش صادق باشد, مقام و منزلتش بزرگ مى شود.)9

5. پاداش هاى اخروى: راست گويان به دليل پيروى از فرمان الهى, از پاداش هاى اخروى كه خدا وعده داده است بهره مند مى شوند. خداوند در قرآن مى فرمايد: (امروز روزى است كه راستيِ راست گويان به آنها سود بخشيد. براى آنهاست باغ هايى كه آب زير درختان آن جريان دارد. همواره در آن جاويدان خواهند بود. خداوند از آنها خشنود و آنها از خداوند خشنود خواهند بود و اين رستگارى بزرگ است.)10

راستى كن كه راستان رستند در جهان راستان قوى دستند

راست گويى فتنه انگيز

با وجود فضيلت و ارزشى كه راست گويى دارد اما گاهى مايه دردسر, ضرر و فساد است و از اين جهت ممنوع است. بنابراين آشنايى با موقعيت ها و سنجيدن سود و زيان سخن و گزينش طرف مهم تر, يكى از وظايف مسلمان, به شمار مى رود. مواقعى كه گفتن حرف راست, منشأ بروز فتنه و درگيرى و حتى قتل و خون ريزى مى شود, راست گفتن واجب نيست. پيامبر گرامى اسلام(ص) مى فرمايد: (راست گويى در سه چيز ناپسند است:

سخن چينى, سخن گفتن با مرد درباره همسر او به چيزى كه آن را زشت و ناپسند داند و تكذيب خبرى كه شخص مى دهد.)11

آثار ناپسند دروغ

دروغ با كرامت و بزرگ منشى انسان سازگار نيست و موجبات پستى او را فراهم مى آورد. افراد با كرامت و بزرگوار هرگز با دروغ ميانه اى ندارند. در اين جا برخى از پيامدهاى دروغ را يادآور مى شويم:

1. دروغ, سرچشمه نفاق: از آن جا كه راستى, حركت براساس فطرت, و دروغ, حركت برخلاف آن است, هميشه بين دل و زبان دروغ گو تضاد وجود دارد و همين نكته او را به سوى نفاق مى كشاند. وجدان دروغ گو همواره در رنج و عذاب و وجودش پر از تشويش و نگرانى است و شخصيت او به علت كثرت دروغ, متزلزل مى باشد.

2. تزلزل ايمان: دروغ, اساس ايمان را برهم مى ريزد و زمينه دور شدن لحظه به لحظه انسان را از فطرت الهى فراهم ساخته و او را به سوى انحراف و پستى مى كشاند. امام باقر(عليه السلام) مى فرمايد: (دروغ گويى, ويران كننده ايمان است.)12

3. زمينه سازى براى گناهان: چه بسا انسان دروغ گو براى پوشاندن دروغش مجبور شود گناهانى ديگر انجام دهد; مثلاً به كسى تهمت بزند و كارى را كه خود كرده است به ديگرى نسبت دهد. در بدى دروغ همين بس كه امام صادق(عليه السلام) آن را بدتر از شراب دانسته است.13

4. كفر ورزيدن: گاهى دروغ انسان را به كفر مى كشاند, زيرا وقتى انسان به فسق و فجور و نقض قوانين و نفاق رو مى آورد, زمينه كفر ورزيدن به خدا و تخطى از فرمان در او فراهم مى شود. شخصى به محضر پيامبر(ص) رسيد و پرسيد: كار دوزخيان چيست؟ فرمود:( دروغ گويى; دروغ, انسان را به فاجرى و پرده درى مى كشاند و چون فاجر شد, كافر مى گردد و جاى انسان كافر در آتش است.)13

5. بى اعتبار شدن: دروغ, انسان را پيش ديگران بى اعتبار مى كند و حتى اعتبارش را نيز نزد خود از دست مى دهد. چنين شخصى همواره در اضطراب و تشويش به سر مى برد تا مبادا دروغش برملا شود و رسواى خاص و عام گردد. حضرت على(عليه السلام) مى فرمايد: (كسى كه به دروغ گويى معروف شد, اعتماد مردم به او كم مى شود.)14

داستان چوپان دروغ گو, نمونه بارزى از سلب اعتماد مردم نسبت به افراد دروغ گو است.

6. كم شدن حافظه: از آن جا كه دروغ گو مرتباً برخلاف واقعيت و حقيقت سخن مى گويد, ممكن است در مجالس مختلف حرف هاى ضد و نقيضى بزند و نفهمد كه اين حرف را قبلاً طورى ديگر بيان كرده و در نتيجه همه متوجه دروغ او مى شوند.امام صادق(عليه السلام) مى فرمايد: (از مواردى كه خداوند به زيان دروغ گو كمك مى نمايد, فراموشى است.)15 فراموش كارى از جمله چيزهايى است كه به زيان و بى آبرو شدن دروغ گو مى انجامد و او را نزد اطرافيان رسوا مى كند.

ريشه هاى دروغ گويى

براى معالجه دروغ بايد به دنبال ريشه هاى آن بود, چرا كه اولين گامِ درمان, شناخت علت هاست. در يك دسته بندى كلى مى توان ريشه هاى دروغ گويى را اين گونه بيان كرد:

1. پستى نفس: بعضى از مردم به دليل اين كه در خود هنرى نمى بينند و احساس مى كنند در ميان جامعه شخصيتى ندارند, مى كوشند تا در پناه دروغ گويى, كمبودهاى خود را جبران كرده و توجه ديگران را به خود جلب كنند. رسول خدا(ص) فرمود: (دروغ گو دروغ نمى گويد مگر به سبب پستى نفس خويش.)16

2. ترس از جريمه و مجازات: برخى از مردم به دليل ترس از مجازاتِ خلاف كارى هاى خود به دروغ متوسل مى شوند و مى كوشند بدين وسيله تخلف خود را قانونى و منطقى نشان دهند.

3. دورويى: دو رويى موجب دروغ گويى مى شود, زيرا فرد دو رو بايد چيزى را كه با قلب نپذيرفته در زبان و رفتار با آن موافقت كند كه اين همان دروغ است. در واقع منافق خود را موافق جلوه مى دهد, در حالى كه چنين نيست.

4. سخت گيرى بى مورد: بعضى از پدران و مادران ناآگاه يا فرماندهان و سرپرستان نادان به فرزندان و زيردستان خود بيش از حد فشار مى آورند و از آنان بيش از توانايى شان تكليف مى خواهند. اين گونه رفتار كردن موجب مى شود تا آنان براى قانع كردن طرف مقابل به دروغ متوسل شوند.

درمان دروغ گويى

پس از شناخت عوامل دروغ گويى, بايد به درمان آن پرداخت. در اين جا چند راه كار براى درمان دروغ گويى ارائه مى شود:

1. برطرف كردن احساس حقارت در شخص; 2. تقويت صفت شجاعت در افراد; 3. از بين بردن صفت زشت دورويى; 4. سخت گيرى نكردن به زيردستان و فرزندان; 5. بالا بردن درجه ايمان افراد; 6. تأمل و تفكر در سرانجام دروغ گويى; 7. تفكر در پاداش راست گويان; 8. هم نشين نشدن با دروغ گويان; 9. دعا و راز و نياز با خداى بزرگ براى درمان دروغ گويى.

پى نوشت ها:

1. بحارالانوار, ج7, ص67.

2. شرح غررالحكم و دررالكلم, ج2, ص6.

3. همان.

4. همان.

5. بحارالانوار, ج71, ص2.

6. همان, ج69, ص386.

7. همان.

8. غررالحكم و دررالكلم, ج4, ص363.

9. همان, ج2, ص296.

10. مائده(5) آيه 119.

11. بحارالانوار, ج71, ص9.

12. اصول كافى, ج2, ص339.

13. وسائل الشيعه, ج3, ص232.

14. مستدرك الوسائل, ج2, ص101.

15. شرح غررالحكم و دررالكلم, ج7, ص245.

16. اصول كافى, ج4, ص38.

17. مستدرك الوسائل, ج2, ص100.